

گزارشی از برگزاری یازدهمین کنفرانس بین المللی بنیاد پژوهش های زنان ایران در برکلی آمریکا

یازدهمین کنفرانس بین المللی بنیاد پژوهش های زنان ایران در تاریخ ۱۵ تا ۱۹ ژوئن ۲۰۰۰ در شهر برکلی آمریکا تحت عنوان «بررسی مطالعات و مبارزات فمینیستی زنان ایرانی در دو دهه اخیر و چشم انداز آینده» برگزار شد. در این کنفرانس حدود سیصد نفر شرکت داشتند که اکثریت آنان را زنان تشکیل می دادند.

پنج شنبه ۱۵ ژوئن - اولین روز

از ساعت پنج بعدازظهر ثبت نام و خرید بلیط آغاز شد. زنان بسیاری از اقصی نقاط جهان گرد آمده بودند. بسیاری یکدیگر را می شناختند، دیدارها تازه شد و خبرها رد و بدل.

قرار بود برنامه با نمایش فیلم «دو زن» به کارگردانی تهیینه میلانی آغاز شود. اما تهیینه میلانی خاطر تهیه فیلم جدیدش نتوانست در کنفرانس حضور یابد. برنامه با نمایش دو فیلم «زینت» و «مکرمه» از محمدمختاری آغاز شد.

گزارش برنامه های هنری بنیاد بصورت مجزا در همین شماره نشریه «هشت مارس» درج شده است.

جمعه ۱۶ ژوئن - دومین روز کنفرانس

کنفرانس در ساعت ده صبح باخوش آمد گوئی کمیته محلی کار خود را آغاز کرد.

سپس برنامه با میزگرد «نسل دوم» ادامه یافت. این میزگرد شامل یک مقدمه کوتاه و نمایش ویدئو و ستوال و جواب بود. در این میزگرد شش زن جوان دانشجوی دانشگاه برکلی شرکت داشتند. فیلم ویدئویی توسط این زنان جوان ایرانی (۲۶ تا ۲۰ ساله) تهیه شده بود. آنان در این فیلم مسائل نسل دوم در آمریکا را به بحث گذاشتند. موضوع اصلی مباحثات شان، هویت نسل دوم زنان ایرانی - آمریکائی بود و نیز تضادهایی که این نسل با آن روبروست. آنان می گفتند علیرغم اینکه خواه و ناخواه در جامعه آمریکا بعنوان زنان رنگین پوست دسته بندی می شوند، آیا باید خود را بخشی از زنان رنگین پوست در آمریکا بدانند یا خیر؟ در نهایت اینکه در جامعه ای که بطور آزار دهنده ای با مسئله نژاد، جنسیت و ملیت رقم خورده است، آنان جزء مردمی هستند که در حاشیه و بیرون از آن زندگی می کنند. مسئله دیگر این زنان حفظ سنت های ایرانی و یا تطابق شان با جامعه آمریکائی است. آنها خود را در حال دست و پنجه نرم کردن با گذشته اجدادی و امروز آمریکائی شده، بین ایرانی و ایرانی - آمریکائی می بینند و می گویند بعضی از ما برای تطابق با جامعه آمریکا سعی کرده ایم ظاهر و رفتارمان را آمریکائی کنیم. این کار بدان معناست که به هویت ایرانی مان کم بها دهیم. ما چنین تغییری را در خودمان بعنوان انقلاب شخصی ارزیابی کرده ایم. در رابطه با موقعیت شان بعنوان زن، گفتند برخلاف برخی که بین تعهدات برابری طلبانه جنسی و ارزش های فرهنگی ملی، تضادی پایه ای می بینند، بر این باورند که تعهدات به فمینیسم نباید به سرپیچی از فرهنگ خودمان منتهی شود. آنان معتقد بودند، هر فرهنگی عناصری از به حاشیه راندن زنان و نیز اختیار دادن به زنان را در خود نهفته دارد.

این میزگرد بخوبی سردرگمی های فرهنگی موجود در میان نسل دوم خارجی ها، و شرایط برزخی که در آن بسر می برند، را منعکس می کرد. ولی بیرون آمدن از این شرایط، نه در گرو حفظ هویت «ایرانی» نه قبول هویت «آمریکائی» یا ملغمه ای از آن دو است، بلکه اساسا به مبارزه و فعالیت برای کسب و خلق یک فرهنگ مترقی جهانی بستگی دارد. فرهنگی که در آن نه نژادی بر نژاد دیگر، نه ملتی بر ملت دیگر و نه جنسی بر جنسی دیگر برتر است. فرهنگ جهانی در اشکال متنوع، حاوی عناصر مترقی و انقلابی فرهنگهای مختلف جهان بوده و به هیچ جنبه ارتجاعی و ضد زنی در هیچ فرهنگی امتیاز نمی دهد.

سخنرانی سعید پیوندی

سعید پیوندی سخنرانی خود را تحت عنوان «آموزش و جنبش اجتماعی زنان ایران» ارائه داد. وی سخنرانی خود را به سه بخش تقسیم کرد. ۱ - تصویر زن در کتاب های درسی. ۲ - نگاهی به تحولات کمی بیست ساله در نظام آموزشی. ۳ - نتیجه مصاحبه هایش با دختران جوان.

در بخش اول بدیهیات مسلم و توضیح واضحات بعنوان کار تحقیقی ارائه شد. مثلاً اینکه ویژگی اصلی نظام آموزشی در ایران سمتگیری مذهبی دارد. تصاویر کتب درسی زن را در خانه نشان میدهد و مرد را در محیط های اجتماعی و اینکه در قوانین به جدایی دختر و پسر بعنوان یک اصل اساسی برخورد شده است.

سخنران در بخش دوم با آواری از آمار و نمودار سعی کرد ثابت کند که کاهش چشمگیر نابرابری بین دخترها و پسرها در عرصه آموزشی یکی از مهمترین ابعاد تحولات کمی نظام آموزش و پرورش ایران در دو دهه گذشته است.

او از آمارهایش نتیجه گرفت که خواست همگانی شدن آموزش برای زنان که از دوره مشروطیت طرح شده بود طی حاکمیت جمهوری اسلامی و بر مبنای سیاست های آموزشی این رژیم دارد جامه عمل بخودش می پوشاند. نابرابری بین مرد و زن خیلی کم شده و نسبت به قبل از انقلاب نصف شده است. و سرانجام آنکه دختران سالهای بیشتری را در نظام آموزشی می مانند و این بخاطر رشد آموزش در دوره متوسطه و عالی است.

وی علل پایه ای این رشد کمی را علیرغم سیاست های تبعیض گرایانه جمهوری اسلامی توضیح نداد، فقط گفت بسیاری از خانواده ها که قبلاً دختران خود را به مدرسه نمی فرستادند حالا بخاطر اینکه محیط اسلامی است به مدرسه می فرستند. او بطور ضمنی، جدایی مدارس دخترانه و پسرانه، معلم زن در مدارس دخترانه، حجاب اجباری و سایر سیاست های اسلامی حاکم بر نظام آموزشی را موجب این رشد کمی دانست! آقای پیوندی حتی قادر شد نکته مثبتی را در جدا کردن مدارس دخترانه از پسرانه کشف کند مبنی بر اینکه: «دخترها میتوانند فارغ از رقابت با پسرها ریاضی بخوانند» (۱)

در خاتمه او در بخش نتایج مصاحبه هایش، بطور ضمنی به تمجید از پراگماتیسم و مهارت دختران در ارائه نقش های متضاد و چندگانگی شخصیت، بعنوان طریقی برای برخورد با تضادها و دور زدن ممنوعیت ها و کسب آزادی و ورود به جامعه پرداخت.

تحقیقات آقای پیوندی یک نمونه آشکار استفاده تحریف آمیز و غیر علمی از آمارها برای رسیدن به نتایج دلخواه است. رشد مطلق، معیار پیشرفت قرار داده می شود و مقایسه با صد سال قبل معیار رشد نسبی. افزایش تعداد سه میلیون دانش آموز دختر به ۹ میلیون نفر افزایش ۵۵ هزار دانشجوی دختر به ۵۰۰ هزار نفر طی بیست سال اخیر اوج پیشرفت نمایانده می شود. بجای اینکه موقعیت و سطح آموزش و سواد واقعی دختران ایرانی با استانداردهای جهان امروز مورد مقایسه قرار گیرد، دوران مشروطه و عقب ماندگی های آنزمان علم می شود.

مهمترین مسئله برای قضاوت واقعی در مورد سیستم آموزشی ایران ابعاد کمی و شمردن تعداد دانش آموزان دختر نیست بلکه کیفیت این رشد است. کیفیتی که آئینه کلیه نابرابری های اجتماعی است. خصلت نظام آموزشی در ایران توسط نابرابری طبقاتی، نابرابری ملی و نابرابری جنسی و نابرابری میان شهر و روستا رقم می خورد. یعنی نابرابری های اساسی که آقای پیوندی براحتی از کنارش می گذرد. آقای پیوندی آنقدر تحت تاثیر رشد کمی قرار گرفته، فراموش می کند که طبق همان آمارهای خودش ۲۵ درصد از دختران بین ۶ تا ۱۹ سال از تحصیل محروم هستند. و یا طبق گفته مسئولین جمهوری اسلامی «دو میلیون دختر هفت تا ۱۸ ساله کشور بویژه ساکنان مناطق محروم و روستائی سر کلاس های درس حضور ندارند که علت آن تنگناهای اقتصادی و مشکلات فرهنگی اعلام شده است.» و یا تهران، اصفهان، سمنان و یزد از نظر آموزشی از موقعیت بهتری نسبت به استان های کردستان و بلوچستان برخوردارند، در بررسی های آقای پیوندی مسائل مهمی مانند، افت کیفیت آموزشی کشور و یا بالا رفتن مدارک تحصیلی و پائین آمدن سطح سواد و سطح علمی دانشگاهها جانی ندارند. اختصاص کمترین بودجه به بخش آموزش و پرورش در مقایسه با بودجه ای که صرف سرکوب اهالی، بویژه صرف مخارج طرحهای کنترل و سرکوب زنان و دختران می شود، از شاخص های نظام آموزشی است، که در این بررسی اصلا اشاره ای به آنها نشد. پس از سخنرانی سعید پیوندی هنرمندان نمایشگاه نقاشی به معرفی خود و آثار هنری خویش پرداختند.

مراسم بزرگداشت زن برگزیده و پیام ها

امسال کنفرانس بنیاد، مهین اسکویی بازیگر و کارگردان تئاتر را بعنوان زن برگزیده، انتخاب کرد. اما مهین اسکویی بدلیل عدم دریافت ویزا برای دخترش در کنفرانس شرکت نکرد.

در پی اعلان این مطلب پیام بنیاد در باره دستگیری مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی توسط گلناز امین قرائت شد. او در این پیام ضمن تاکید بر خواست آزادی بی قید و شرط این دو تن، گفت «که اگر بتوان شخصیت هایی را که علنا موضع خصمانه ای علیه موجودیت جمهوری اسلامی نگرفته اند به بهانه های بی اساس و در واقع بدون هیچ مجوزی حتی در چارچوب مقررات سیستم قضائی حاکم به بند کشید، مخالفین و ناراضیان دیگر باید حساب کار خود را بکنند.» او در ادامه به این نکته اشاره کرد که «مراسم تجلیل بنیاد از زنان جان باخته بیست سال گذشته در کنفرانس پارسال در شهر موتترال یادبود این حقیقت فراموش نشدنی است که سرمداران دولت ایران مستقل از تعلقات جناحی و گروهی می دانند که در پشت چهره های معتدل سرشناس، کل جامعه به لب آمده ایران از نفتگران اعتصابی و فعالین جنبش دانشجویی تا روشنفکران سکولار و فمینیست های غیر اسلامی ایستاده اند. دستگیری مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی انعکاس هراس از نیمه زن جامعه ایران و مردان طرفدار حقوق آنان و بطور اخص از بخش جوان و پیشرو و غیر سازشکار جنبش زنان

ایران است.»

سپس پیام نوشین احمدی خراسانی مسئول نشریه «جنس دوم» در ایران در رابطه با دستگیری این دو زن فعال توسط ترانه روستا خوانده شد.

در این پیام بر این نکته تاکید شد که شهلا لاهیجی و مهر انگیز کار «که همواره از حقوق زنان دفاع کرده اند خود در زندگی شخصی دچار چنین مشکلاتی نبوده اند، بلکه از حقوق دختران و مادران و همسران زندانبانان شان دفاع کرده و سخن گفته اند.»

هم چنین در این پیام تاکید شد که «چرایی بازداشت آنان پرسشی است که در دل ما زنان نجوا می کند اما قدرت بروز نمی یابد زیرا نمی دانیم چطور بپرسیم که خود گرفتار نشویم». و اینکه «با وجود اتفاقات بسیاری که در این دو سه سال اخیر افتاده است ترس از لانه ما بیرون نیفتاده است». و سرانجام آنکه ضمن هشدار در مورد فروپاشی جامعه به خاطر عدم رقابت متعادل گفته شد که «به نفع فرادستان و هم فرو دستان است که پرسش های شان را در سینه حبس نکنند و چون و چراهای خود را بیان دارند. و بر این راستاست که می خواهیم بپرسیم و بگوییم به چه جرمی دو تن از زنان صاحب قلم و اندیشه و از مدافعان پیگیر حقوق زنان اینک در زندان بسر می برند؟»

پیام نوشین ضمن انعکاس فشارهای ارتجاعی رژیم اسلامی، در عین حال بیان روحیه قشری از زنان است که سطح توقع شان بسیار پائین است. متأسفانه این کم خواهی و سطح توقع پائین، جنبش زنان را در مقابله با ارتجاع حاکم آسیب پذیر تر می کند.

سخنرانی شریفه شریف

شریفه سخنرانی خود را به زبان انگلیسی با عنوان «وضعیت زنان در افغانستان» ارائه داد. وی ضمن برشمردن جنایات طالبان علیه زنان افغانستانی، به بررسی تاریخی، اجتماعی و سیاسی دلایل قدرت گیری طالبان پرداخت و تغییر و تحولات و اصلاحاتی را که در موقعیت زنان، از زمان امان اله خان تا کنون شده مورد بررسی قرار داد. اگر چه او در مجموع نظر مثبتی نسبت به این تغییرات داشت اما انتقاداتی نیز به حکومت‌های وابسته به شوروی ابراز داشت.

او گفت، زمانی که طالبان بقدرت رسید، نه فقط اشکال گوناگون خشونت علیه زنان را از بین نبرد بلکه خود اشکال دیگری از ستم بر زنان را بکار بست و به این نیز بسنده نکرد و بسیاری زنان را به پستوهای خانه ها راند. شریفه گفت زنان تحت حکومت طالبان، باید گام هایشان بی صدا، صدایشان بی صدا و چهره شان ناپیدا باشد و تاکید کرد علیرغم اینهمه سرکوب، زنان افغانستانی به اشکال گوناگون مقاومت کرده و مبارزه شان را به پیش می برند. حتی فقیرترین زنان نیز در عطش یادگیری سواد بسر می برند و مخفیانه تلاش هائی را در این رابطه سازمان می دهند.

شریفه ستم بر زنان در افغانستان را در ارتباط با وضعیت کل زنان در جهان می دانست و گفت مبارزه علیه ستم بر زنان در افغانستان در حقیقت گامی در جهت بهبود شرایط زندگی و صلح در همه جهان است.

سخنرانی آنجلا دیویس، زن مبارز سیاهپوست

او ابتدا از کسانی که زندگی را مبارزه برای عدالت و برابری تعریف می کنند و هم چنین افراد و تشکیلاتی که حاضر نیستند تحت هیچ شرایطی تسلیم شوند، قدردانی کرد.

سپس به نقش زنان رنگین پوست در جنبش فمینیستی آمریکا اشاره کرد و گفت زنان رنگین پوست بخاطر ارتباطات بین المللی، همبستگی های بین المللی و نقش شان در مبارزات رهائی بخش تاثیر برزگی در آگاهی و واداشتن ما به تفکر عمیق تر در مورد مبارزات زنان برای رهائی داشته اند. او تاکید کرد که دمکراسی بدون برابری زنان نمی تواند وجود داشته باشد.

آنجلا که خود سالها بعنوان یک زندانی سیاسی در زندانهای آمریکا بسر برده، بشدت تحت تاثیر نقاشی ها و صحبت های سودابه اردوان قرار گرفت و گفت: «این تصاویر کوچک و تجارب حاصله از آن به من امید بسیار داد. این زندانی ۸ سال زندگی خود را در زندان گذراند و هرگز حاضر به همکاری با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی در زندان نشد. او زمانی که در سلول انفرادی بود با استفاده از کیسه چای و موی خود تصاویر دوستان زندانی خود را بدون دیدن آنان می کشید و از این طریق امید را در خود زنده می کرد. این مسئله نشان می دهد که به مصاف طلبیدن نهادهائی مثل صنعت تاسیسات زندان بسیار اضطراری است».

وی در ادامه سخنانش از صنعت تاسیسات زندان در آمریکا پرده برداشت و گفت بیش از دو میلیون نفر در آمریکا پشت میله های زندان اند که ۷۰ درصد آنان سیاهان و غیر سفیدها هستند. ایالت کالیفرنیا بزرگترین رقم زندانی را دارد. ۱۵۰ هزار زندانی، ۱۰ هزار زندانی زن. آنجلا دیویس افزایش جمعیت زندان و بویژه زندانیان زن در آمریکا را نتیجه پدیده ای بنام «صنعت مجازات» دانست. وی گفت در آمریکا یک پروسه جنایتکار کردن موجود است که بسیار در ارتباط با کمپانی های مثل «میکروسافت»، «استار باکس» و «ویکتوریا سیکرت» است. او اضافه کرد که افزایش زندانیان زن در واقع نمود و تشدید اشکال سلطه مردسالاری است که بر زندگی روزانه و خانوادگی تسلط داشته و هم زمان «خشونت دولتی» را نه تنها در افغانستان و ایران، بلکه در ایالات متحده هم شکل می دهد.

وی در پایان گفت مهم است درک کنیم که در چارچوب گلوبالیزاسیون اقتصادی جهان سرمایه داری، مجازات نقش بسیار مرکزی دارد. کمپانی های خصوصی زندان سازی که در آمریکا هستند در کشورهای دیگر نیز زندان می سازند، مثلا بزرگترین زندان زنان در استرالیا را یک شرکت آمریکائی بنام «کمپانی تادیب» ساخته و اداره می کند..

پس از سخنرانی آنجلا دیویس، نمایشگاه هنری گشایش یافت و ساعت ۸ شب تئاتر «مرگ و آن دختر» بروی صحنه رفت.

شنبه ۱۷ ژوئن - سومین روز کنفرانس

در آغاز این روز گلناز امین بعنوان مسئول بنیاد پیامی را قرائت نمود. این پیام انعکاسی از تعهد و وظایف بنیاد در قبال جنبش زنان بود. در بخشهایی از پیامش آمده که: «هزاران هزار زنی که نیم گامی از زندان تبعیضات تاریخی بیرون گذاشته بودند و می خواستند در شکل دادن به تاریخ کشور خود نقش داشته باشند، خود را در زندان های جمهوری اسلامی یافتند.

مبارزات سیاسی و فرهنگی زنان در داخل و خارج کشور مسئله حقوق و جایگاه زنان را در صدر دستور کار سیاسی جامعه ایران قرار داده است و دولتمردان اسلامی می کوشند در تلاش برای حفظ ترکیب نامتجانس یک دیکتاتوری مذهبی بر روی جامعه ای با فرهنگ سیاسی مدرن، با دادن سهم ناچیزی از قدرت به زنان خودی به جنبش وسیع و نیرومند زنان ایران باج دهند.

امروزه جنبش زنان ایرانی یکی از غنی ترین و زنده ترین بخش های مبارزه زنان در سطح جهان است.»

سخنرانی شهرزادمجاب

شهرزاد مجاب، سخنرانی خود را تحت عنوان «سیاست تئوری و تئوری قدرت سیاسی: دو دهه مطالعات زنان ایران در تبعید» ارائه داد. به دلیل اهمیت این سخنرانی و ارتباطش با مسائل پیش پای جنبش زنان، متن کامل آن در همین شماره نشریه به چاپ رسیده است.

سخنرانی بنفشه حجازی

بنفشه حجازی سخنرانی خود را تحت عنوان «تاثیر خوابنامه ها در فرو دست سازی زنان» ارائه داد. او شاعر و نویسنده ای است که تاکنون کتب متعددی در زمینه شعر و ادبیات و تحقیقات تاریخی زنان در ایران بچاپ رسانده است. بنفشه حجازی سخنانش را با نگاهی به ضرب المثلهای، جملات قصار، شعر و داستان های کوتاه و بلندی آغاز کرد که قصدشان تحمیق زنان، سربراه کردنشان و تقویت فرودستی شان است. او گفت سازندگان این جملات فقط مردان نبوده، که زنان نیز با همسوئی نا آگاهانه بر آن مهر تائید و قطعیت زده اند و گاه برخی از آنان را دلیل ظرافت و سیاست زنانه

دانسته اند.

او با چنین قصد و نگاهی به مسئله بررسی خوابنامه پرداخت. بنظر وی یکی از راههای ظریف القاء به افکار عامه برای حفظ فرهنگ سنتی و تحکیم قدرت مردانه و ادامه رنگ و لعاب دادن به مجسمه فرودستی زنان، کتاب های تعبیر خواب است. این کتاب ها دایره تبدیل باور به رفتار و رفتار باور را وسیعتر می کنند. خوابنامه ها با استفاده از هاله راز و رمز خواب و رویا تاثیر پر قدرت قالب های فرهنگی را مستحکم و جاودانه می سازند.

بنفشه طی تحقیقات خود در مورد این خوابنامه ها می گوید خوابنامه ها با تکرار و تاکید بر ویژگی ها و خصوصياتی برای زنان از قوی ترین عاملان ترسیم و تجسم سیمای فرودستی زن هستند گرچه بازگو کننده مناسبات، افکار و عقاید جامعه، یعنی محل نمو خودشان هستند ولی صورت مکتوب این کتابها برای مردمانی که کتاب «معجزه» شان است ایجاد وحی منزل می کند که پیکار و مبارزه با این تلقینات و گردن ننهادهن بر فکر، باور و یا انجام ندادن اعمال تلقین شده را برای جامعه زنان ایران مشکل می کند.

البته بنفشه به این مسئله پرداخت که بالاخره رابطه این قبیل خوابنامه ها با ایده های مسلط بر جامعه و بطور مشخص نقش رژیم جمهوری اسلامی در باز نویسی و بازتولید اینگونه خوابنامه ها چیست و واقعا چه رابطه ای بین این خوابنامه ها و واقعیتی که جمهوری اسلامی برای زنان بوجود آورده موجود است؟!

م

میزگرد نقش زنان ایرانی در مطبوعات طی دو دهه گذشته

سخنرانی پروین اردلان

پروین اردلان روزنامه نگار و نویسنده ساکن ایران سخنرانی خود را تحت عنوان «زنان در مطبوعات ایران طی دو دهه اخیر و چشم انداز آینده» ارائه داد. وی در مورد وضعیت زنان روزنامه نگار صحبت کرد و گفت علیرغم تبعیضات جنسی در محیط کار و سایر محدودیت ها برای زنان روزنامه نگار، اما ما شاهد پیشرفت زنان روزنامه نگاری هستیم که باور دارند با مردان برابری و اجازه نمی دهند کسی حق شان را بخورد. با این همه ما مشکلاتی داریم، نمی توانیم در مورد چیزهایی که پای زنان را به میان کشیده و صراحت کلام داشته باشد، مثل حجاب، سوء استفاده جنسی، روسپیگری پنهان و آشکار بنویسیم.

در ادامه پروین اردلان به وضعیت مطبوعات زنان در ایران پرداخت. او اشاره کرد که مسائل زنان با مسائل سیاسی گره خورده و نشریات زنان هم با یک بررسی تاریخی در ارتباط تنگاتنگ با مسائل سیاسی است بهمین جهت او مطبوعات زنان را در سه دوره تاریخی بررسی کرد. دوره اول از سال ۵۷ تا ۶۸ ، دوره دوم از ۶۸ تا ۷۶ و دوره سوم از خرداد

درضمن او کلیه نشریات را در برخورد به دین به سه دسته تقسیم کرد. بنیادگرائی که به ظاهر دین توجه می کند و بیش از همه به کتاب و سنت تاکید دارد که «زن روز» و «فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان» در این دسته هستند. سنت گرائی که در آن توجه به فقه تا حدی است که بتواند نیازهای زمانه را پاسخ دهد و بیشتر به نوآوری در فقه اعتقاد دارد نشریات «پیام زن» و «ندا» در این دسته هستند.

دسته سوم نو گرائی دینی است که بیشتر به اخلاق و رفتار اخلاقی تاکید دارد تا فقه، و در عمل به عقل بهای بیشتری می دهد «پیام هاجر»، «زنان» و «حقوق زنان» در همین طیف هستند.

پروین اردلان ضمن بررسی تاریخی مطبوعات زنان بدرستی بر مواضع این زنان بر سر مسئله دین و مشخصا اسلام و ارتباط آنها با قدرت سیاسی انگشت گذاشت. وی سپس به بررسی تاریخی مطبوعات زنان پرداخت. او گفت دوره اول از سال ۵۷ تا ۶۸ است که با انقلاب ۵۷ و اوج گیری فعالیت های سیاسی، ما با رشد نشریات زنان روبرو هستیم. نشریاتی که بیشتر وابسته به ارگان های حزبی و سیاسی هستند مثل «بیداری زنان» ارگان «جمعیت بیداری زن» و «زن مبارز» ارگان «جمعیت زنان مبارز» و متأسفانه پروین اردلان در دوره بندی تاریخی خود از سال ۵۷ تا ۶۰ عجولانه می گذرد و آن را در دوره بندی خودش یعنی ۵۷ تا ۶۸ ادغام می کند. مسلماً دوره ۵۷ تا ۶۰ جایگاه ویژه ای در تاریخ مبارزات زنان، رشد تشکلات و نشریات زنان دارد، که با سرکوب نیروهای انقلابی و تشکلات زنان و نشریات آنان و تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی به پایان می رسد. سال ۶۰ تا ۶۸ دوره سایه افکندن ارتجاع اسلامی بر جامعه ایران است. او نه فقط بین این دو دوره هیچ فرقی نمی گذارد، تا سلف بارتر اینکه در بررسی خود شنونده را از علل تعطیل و انحلال نشریات دوره ۵۷ تا ۶۰ مطلع نمی کند و اظهار می دارد "هم زمان با تعطیل و انحلال این نشریات ما شاهد انتشار نشریات دیگری هستیم که بیشتر جنبه دینی دارند".

پروین اردلان از نسل قبل از خود چیزی نمی گوید و حتی حاضر نیست از جسارتی که آن نسل در طرح مسئله زنان، مبارزات و ایستادگی شان در مقابل ارتجاع اسلامی، سخنی به میان آورد. به امید اینکه هرگز تاریخ نویسان زنان به چنین فراموشی دچار نشوند و مانند اردلان از روی ورق های تاریخ پر افتخار مبارزات زنان این گونه پرش نکنند.

سخنرانی مهناز متین

مهناز متین دومین سخنران این بخش، سخنرانی خود را تحت عنوان «بررسی تطبیقی نشریات زنان در داخل و خارج کشور» ارائه داد.

او سخنان خود را از تحولات اندیشه ها و دیدگاهها و شیوه های عملی پیشبرد مبارزات زنان طی بیست سال استقرار

جمهوری اسلامی آغاز نمود و گفت بن بست جمهوری اسلامی در همه زمینه های اقتصادی اجتماعی و ، بازنگری ها و واپس نشینی های حکومت در قبال مسئله زن را به همراه داشته است. در نتیجه نیروهای جدیدی به صف هواخواهان زنان پیوسته اند و آرایش تازه ای در جنبش زنان شکل گرفته، اینک هواخواهان حقوق زنان طیف گسترده ای را تشکیل می دهند، از سرکوبگران زنان گرفته تا دگراندیشانی که کوچکترین نزدیکی به جمهوری اسلامی نداشته اند. اندیشه ها و گرایشات این طیف گسترده در نشریات زنان منعکس شده و بررسی این نشریات مروری است بر سیر تحول این اندیشه ها و گرایشات.

وی بررسی خود را به سه دوره تاریخی تقسیم کرد: دوره اول از بهمن ۵۷ تا آخر ۵۸، دوره دوم از سال ۵۹ تا پایان جنگ ایران و عراق و دوره سوم از سال ۷۰ تا به امروز.

در میان نشریات، او «زنان» و «جنس دوم» در داخل و «زن در مبارزه»، «آوای زن»، «فصلنامه زن» و نیمه دیگر را در خارج مورد بررسی قرار داد. وی در مورد نشریه «جنس دوم» گفت: این نشریه اسلامی نیست، در مورد فمینیسم نظری متفاوت با آنچه در دیگر نشریات زنان اسلامی آمده، ارائه می دهد. متین این نشریه را جزو نشریات «دو خردادی» دسته بندی می کند. و معتقد است که دیدگاه این نشریه در مورد مسئله زن با دیدگاه زنان اصلاح طلب اسلامی متفاوت است. اما از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی را پذیرفته و دل به اجرای آن بسته، بسختی بتواند در راستای ایده آل خود یعنی ایجاد جامعه مدنی و تامین حقوق زنان و مردان حرکتی پیگیر و کارساز داشته باشد.

سپس به بررسی نشریه «نیمه دیگر» پرداخت. و ضمن شمردن عرصه های گوناگون مطالب آن گفت، این نشریه در زمینه پژوهش در مورد اسلام در حد یکی دو مقاله باقی ماند و حتی بحثی در زمینه حکومت دینی، رابطه آزادی های فردی، حقوق شهروندی و رهائی زنان پیش نکشید و این مقولات بنیادی به یکی از محورهای نشریه تبدیل نشد. مهناز متین اضافه کرد در «نیمه دیگر» نوشته هایی در مورد جنبش زنان در ایران چاپ میشد که جای تامل دارد. زیرا این نوشته ها شالوده فکری گرایشی را فراهم کرد که اینک از فمینیسم اسلامی پشتیبانی می کند. وی به مقالات ناهید یگانه، ناهید مطیع، افسانه نجم آبادی و نیره توحیدی اشاره کرد و نتیجه گرفت که پایان کار «نیمه دیگر» چه بسا ارتباط به چیرگی همین گرایش داشته است.

وی سپس به دیگر نشریات خارج کشور «فصلنامه زن»، «آوای زن»، «زن در مبارزه» می پردازد و می گوید بدون اینکه بخواهد آنها را هم کاسه کند، آنها را در دسته بندی طیف چپ جنبش فمینیستی قرار می دهد.

مهناز متین زنان ایرانی تبعیدی را از پیشگامان طرح مسئله زن می داند که توانسته اند سیاست های زن ستیز جمهوری اسلامی و آنچه که بر سر زنان می رود را در سطح جهانی بازتاب کنند و بدین ترتیب حکومت را زیر فشار قرار دهند. هم چنین به نقش آنان در ریختن شالوده فکری جنبش زنان لائیک ایرانی اشاره کرد.

سخنرانی ژانت آفاری

موضوع سخنرانی ژانت آفاری «نسل جدید روزنامه نگاران زن در ایران و مقوله فمینیسم» بود. فی الواقع این تم بهانه ای برای او بود تا دستاوردهای "دوخرداد" در رابطه با زنان را بشمارد و از فواید کثرت گرایی دینی به دفاع برخیزد. او پراکنده و دو پهلو سخن می گفت تا دفاع آشکارش از فمینیست های اسلامی پوشیده بماند.

آفاری از انتخاب ۸۰۰ زن به نمایندگی شوراهای شهر و روستا تمجید نمود و از اینکه چنین نهادی قرار است کتابخانه و مرکز نظافت ایجاد کند و به تمیز کردن خیابانها بپردازد، اظهار خشنودی کرد. در مورد مذهب و کثرت گرایی دینی گفت: تا وقتی مرگ است مذهب هم خواهد بود. و اگر گفتمان کثرت گرایی دینی بیشتر باشد بهتر است زیرا برای زنان لائیک فرصت ایجاد می کند تا در میان این درزها و فاصله ها حرفشان را بزنند.

او در رابطه با مقالات تاریخ شفاهی کارگران نشریه «جنس دوم» گفت این مقالات در خدمت قهرمان شکنی است که چپ ها در رابطه با طبقه کارگر باب کرده بودند. چرا که کارگر را باید بصورت افرادی با تمام محدودیتهايش دید. از نظر او علت محبوب شدن رمان «بامداد خمار» نیز این قهرمان شکنی است و نشانه سمپاتی نسلی است که انقلاب را از سر گذرانده است.

وی بظاهر با دید بیطرفانه به ارائه نکات انتقادی برخی از نشریات دوم خردادی نسبت به فیلم «دو زن» پرداخت. انتقاداتی مبنی بر اینکه فیلم، عامی گرا و ساده نگر و غیر فمینیستی است. لازم به یادآوری است که این فیلم مورد استقبال وسیع زنان جامعه قرار گرفت زندگی دختر دانشجوی پرشوری است که توسط مناسبات مردسالارانه حاکم بر جامعه در هم شکسته شد. این فیلم نقش پدر، شوهر و بطور سمبلیک دولت را در این مناسبات بطور موثری نشان می دهد.

او در خاتمه سخنرانیش خواستار آن شد که ما باید از مقوله مدرنیسم و پست مدرنیسم هر دو عبور کنیم. و شکل جدیدی از نسبییت گرایی فرهنگی را فرموله کنیم که پاسخگوی غرب باشد.

در رابطه با این میزگرد برخی از شرکت کنندگان در کنفرانس انتقاد داشتند که چرا در بررسی مسئله مطبوعات در ایران کسی به مسئله سانسور و نقش آن پرداخت.

یکشنبه ۱۸ ژوئن - چهارمین روز کنفرانس

سخنرانی شهلا طالبی

او سخنرانی خود را تحت عنوان «تجربه زندان زنان در دو رژیم» ارائه داد. موضوع صحبتش مرگ درونی و کشف شناخت از مرگ درونی بود که زندانی پس از آزاد شدن از بندهای فیزیکی زندان ممکن است در چنبره اش گرفتار بماند. شهلا با ذکر تجربه ای از زندان، بر نقش مناسبات مردسالارانه و تصویرهای مردسالارانه بر درهم شکستن روحیه برخی از زنان انگشت گذاشت. اینکه چگونه برخی از زنان زندانی بخاطر تحقیرهایی که در زندان به دلیل زن بودن بر آنان روا میشود، نمی توانند تا به آخر مقاومت کنند. او گفت تسلیم شدن به تصویری که از زن توسط فرهنگ و اجتماع مرد سالارانه ساخته شده، مرگ و سقوط درون را به ارمغان می آورد. از نظر شهلا اینجاست که مبارزات زنان زندانی سیاسی با مبارزات فمینیستی زنان در خارج زندان همخوانی دارد.

او گفت، زیستن برای یک زندانی سیاسی سابق در این است که نگذارد هیچ چیز و هیچ کس او را در زمینه های گذشته به صلابه بکشد. او گفت زندانی سیاسی سابق که دائما در مقابل دیگرانی که در شرایط مشابه او بوده اند و رفته اند، احساس گناه و مسئولیت می کند. این زندانی سیاسی سابق وقتی هم تلاش می کند به خویشتن بیاید، دیگران تعهد اجتماعی اش را به او گوشزد می کنند و بدین ترتیب او را فقط بعنوان زندانی سیاسی برسمیت می شناسند. وی اشاره کرد که منظورش فراموش کردن گذشته نیست، بلکه چگونگی پرداختن به گذشته است.

روح کلی سخنرانی شهلا طالبی محزون و تا حدی مایوسانه بود. او بسیاری از حرف هایش را در الفاظی بی نهایت سخت و ادبی ارائه داد و بالاخره نگفت که به زندانی سیاسی زن و اصولا به زندان و گذشته چگونه باید نگاه کرد، تا نگاهی «پویا و کاونده» باشد.

خلاصه کلام شهلا، پس از کنار زدن پیرایه های زیبایی این بود که از زندانی و مبارزه در زندان و خاطراتی که یادآور مرگ درونی است نگوئید و بهتر است آنها را به بایگانی تاریخ بسپارید و بگذارید زندانی سیاسی سابق «پاک» از این گذشته باشد. شهلا طالبی به این واقعیت توجه نمی کند که نمی توان فقط از مبارزه و درهم شکستن زنجیرها سخن گفت اما نگفت که این کار برای زنان در کشوری چون ایران عقوبتی سخت بدنبال دارد. طرح تجارب زندان - چه مثبت باشد چه منفی - یک طریق مهم آگاهی بخشیدن به زنان است تا مبارزه خود را آگاهانه تر، همه جانبه تر و جدیتر به پیش برند. بعلاوه درک روشنتری از ابعاد گوناگون ستم بر زنان و نحوه عملکرد کسانی که با قهر سازمان یافته از این ستم حفاظت می کنند، کسب کنند.

سخنرانی شهلا شفیق

سخنران بعدی این بخش شهلا شفیق بود که تحت عنوان «روایت زندان، صدای زنان» ارائه داد. او ضمن بررسی کتاب هائی که تحت عنوان خاطرات زندانیان سیاسی منتشر شده اند گفت این کتابها نوشته شده اند تا شاهدهی باشند بر فجایعی که در زندان های سیاسی حکومت اسلامی رخ داده است. او اشاره کرد که مقوله زندان سیاسی با تاریخ سیاسی معاصر ایران گره خورده و جای خاصی را در کار فکری و ادبی باز کرده است.

شهلا در رابطه با سوء استفاده از مفهوم فراموشی گفت در عین حال که برای جلو رفتن باید بناگزیر گذشته را فراموش کنیم و از گذشته فاصله بگیریم در عین حال وظیفه ماست که بعنوان مورخ، بعنوان شهروند از آن نوع فراموشی که به از یاد بردن فجایع می انجامد، پیشگیری کنیم.

او از خلال کتاب های زندان به بررسی ویژگی های زندان جمهوری اسلامی پرداخت و گفت زندان اسلامی جهانی است که نمایندگان خدا بر روی زمین بپا کرده اند تا گمراهان، عاصیان و گناهکاران در آن به مجازات رسند، کفاره بپردازند توبه کنند و سرتسلیم فرود آورند. تا سلطه رژیم ارتجاعی تداوم یابد.

او در مورد طرح تواب سازی که رژیم به پیش می برد، به تلاقی جنسیت و رابطه جنس با مفهوم گناه در قانون اسلام می پردازد و معتقد است، اگرچه در زندان زنان و مردان، واقعیت ها مشترکند، اما به دلیل تلاقی جنسیت، گناه و توبه از نظر گردانندگان رژیم، زندان زنان در جمهوری اسلامی، نماد دین و ایدئولوژی اسلامی را به شکل عریان تری نشان می دهد.

این بار نیز مانند همیشه موضوع زندان و زندانی سیاسی حساسیت زیادی را بر انگیخت. برخی دچار احساسات متناقضی بودند و از ناراحتی وجدان خود صحبت می کردند. از اینکه زمانی که این جنایتها درون زندانها صورت می گرفت، کجا بودند و چه می کردند؟ اگر چه چنین احساسی طبیعی است اما بهتر است این احساس را به زمان حال مرتبط کرد و نگذاشت که اینگونه جنایات بار دیگر تکرار شوند.

میزگرد ادبیات زنان

سخنرانی ملیحه تیره گل

بعداظهر این روز بخش ادبیات زندان با سخنرانی ملیحه تیره گل تحت عنوان «داستان نویسی زن ایرانی در عرصه بیست سال تبعید» آغاز شد.

ملیحه تیره گل با اشاره بر پراکندگی جغرافیائی نویسندگان زن مهاجر و تفاوت های فرهنگی کشورهای میزبان معتقد بود که زنان نویسنده ایرانی شرایط، مسائل و دردهای مشترکی را زیسته اند و می توان ساختارهای ذهنی مشترکشان را

بعنوان حاصل بهم پیوسته فعالیت فکری این گروه شناسایی کرد.

او سه مرحله مشخص را در ارتباط با ادبیات زنان در تبعید از مقطع انقلاب ۵۷ مشخص می کند که این سه دوره در توالی هم نیستند بلکه در توازی یکدیگرند. دوره اول: واگویی درد که حدیث نفس است و از ویژگی هنری فاصله دارد. تبلور ستم جنسی و انعکاس مبارزه زن با این ستم را در سطح و گوشه و کنار این آثار می بینیم. او ویژگی دوره دوم را اینگونه توضیح می دهد که زن بیش از هر چیز به مسئله تفاوت مسئله زن و مرد در کشور میزبان با آنچه که خود تجربه کرده می رسد. دوره سوم زن داستان نویس ایرانی جهان را بهتر و عمیق تر می بیند. داستانها هنری شده است و در این داستان ها از زبان راوی زن صدای مرد به گوش می رسد. مرد زورگو و ظالم بالفطره نیست. زن به اطراف نگاه می کند، به تفاوت های ساده فردی و اجتماعی و تفاوت های جنسی و به جهان نگری دو جنس نگاه می کند.

او ژرف نگری در داستان های اخیر زنان ایرانی را تبریک گفت و این عمق را به منزله یک جهش در هویت یابی تلقی کرد.

ملیحه تیره گل سخنانش را با هشدار به داستان نویسان در دوره دو سه ساله اخیر بیابان رساند. وی گفت اخیرا متوجه شده که فلسفه و فرهنگ پست مدرنیسم بشدت دارد بر تفکر زنان داستان نویس احاطه می کند. از نظر او فرهنگ پست مدرنیسم فرهنگ سرمایه داری پیشرفته است و مرز بین هنجار و ناهنجار، کنش و عمل و عکس العمل را از بین می برد و بر همین مبنا هشدار داد که تعهد انسان در پست مدرنیسم بخصوص در ادبیات پایمال میشود و تعهدات انسان و وجدان انسانی داستان نویس نیز پایمال میشود.

سخنرانی هایده درآگاهی

هایده درآگاهی سخنرانی خود را تحت عنوان «زن و زن روشنفکر در آثار ادبی دوره مدرن تاریخ ایران» ارائه داد. او گفت در دوره مدرن تاریخ ایران یعنی از زمان مشروطیت تا کنون اگر دوره اخیر را استثناء کنیم و برخورد به مسئله زنان و شخصیت های زن و مرد را مورد بررسی قرار دهیم، چند گرایش معین در آن روشن می شود. گرایشی که فقط ویژه ادبیات مردان نبوده و در ادبیات زنان نیز منعکس است.

وی گفت بجز استثنائاتی در بخش عظیمی از ادبیات مدرن ایران، زنها بعنوان شخصیت مستقل اظهار وجود نمی کنند. بلکه بعنوان همسر، مادر، دختر و معشوقه کسی حضور پیدا می کنند. مدل عام انسان و بازیگر صحنه اصلی اجتماعی مرد است، تصاویر و چهره سازی از زنان در این مرحله از ادبیات ایران و بخصوص درست در دوره ماقبل انقلاب و بعد از انقلاب این ویژگی را دارد، و دچار یک سطحی نگری است. زنها از پیچیدگی هویت انسانی شان تهی می

شوند تا بتوانند در این رها جا بگیرند. بجای اینکه پشت این رلهای اجتماعی بررسی شوند.

پذیرفتن تابوها و حدود و ثغور تفکر سنتی و مذهبی بر شخصیت زن و روابط جنسی بین زن و مرد یکی دیگر از این گرایش‌هاست. این تابوها نه فقط از طرف نویسندگان ایرانی زیر سؤال نمی‌رود، بلکه در اشکال جدیدی بازتولید می‌شود.

او با اشاره به هشدار ملیحه تیره گل گفت که در ادبیات موجود، یک جور پذیرش چارچوبهای موجود را می‌بینیم تا فشار وارد آوردن به دیوار محدودیتها. بخش زیادی از نقد ادبی این دوره پذیرش چارچوبهای موجود را ایده آلیزه و توجیه می‌کند. او گفت دلیل پذیرش وضع موجود بجای افزون طلبی و تمرد در مقابل آن، اختناق سیاسی است که فقط در مدت بسیار کوتاه انقلاب شکسته شده و دوباره بصورت خوفناکتری ادامه پیدا کرد.

هایده درآگاهی با اشاره به نقل قولی از گوته شاعر آلمانی گفت تحول ادبیات به سمت یک ادبیات جهانی است، حال آنکه در مقابل این روند در ایران مقاومت صورت می‌گیرد و نپرداختن به آن تئوریزه می‌شود.

سخنرانی مریم متین دفتری

موضوع سخنرانی مریم متین دفتری «چشم انداز وضعیت زنان ایرانی در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانواده» بود. اما او با ارائه یک مقدمه تاریخی نسبتاً طولانی از مبارزات زنان از صدر مشروطیت تا به کنون و اشاراتی به خدمات "مليون" در رابطه با زنان، عملاً فرصت نیافت به موضوع اصلی سخنرانی خود بپردازد. حضار نیز بیشتر علاقمند بودند تا ارزیابی و جمع‌بندی را بعنوان یک زن لاتیک از دوران طولانی فعالیت مشترکشان با سازمان مذهبی مجاهدین خلق ایران بشنوند.

برخی نکات در ارزیابی از این کنفرانس

تم مرکزی که کنفرانس امسال انتخاب کرده بود، تمی بسیار مهم و پر محتوی بود، اما به نسبت کنفرانس‌های قبلی بجز چند مورد ما با سخنرانی‌های عمیق و کار شده رویرو نبودیم. بخصوص اینکه برخی سخنرانان به تم اصلی کنفرانس یعنی «بررسی مطالعات و مبارزات فمینیستی زنان ایرانی در دو دهه اخیر و چشم انداز آینده» وفادار نبودند و خیلی‌ها قادر نشدند در چارچوب این تم به موضوع خاص سخنرانی خود بپردازند. اگر قرار است هر سخنرانی صرفاً آنچه را که کار کرده ارائه دهد اصلاً چرا باید برای کنفرانس تم مرکزی تعیین کرد؟

تقریباً هیچ یک از سخنرانان، نه تنها به دو دهه مبارزات زنان نپرداختند، بلکه تلاش هم نداشتند چشم اندازی برای آینده ترسیم کنند. شرکت کنندگان در کنفرانس تمایلی به جدل سیاسی در این زمینه نداشتند. مایه تعجب بود که مثلاً هم از سخنرانی شهرزاد مجاب استقبال پر شور به عمل می آمد و هم افرادی چون سعید پیوندی تشویق می شدند که محتوی سخنانش چیزی جز توضیح واضحات و گلچین کردن برخی آمارهای دست چندم روزنامه های "دوم خردادی" نبود. علت این امر بی توجهی بسیاری از شرکت کنندگان به نتایج سیاسی و عملی متضاد این بحثها برای جنبش زنان بود. البته در این زمینه کلی گوئی و دو پهلو صحبت کردن و تمایل به عدم طرح صریح مسائل برخی از سخنرانان - همانند ژانت آفاری - نیز در ایجاد فضای فوق بی تاثیر نمی باشد.

حضور تم زن زندانی سیاسی در کنفرانس بنیاد نشانه جدیدت مباحث و مسائل زنان است. زنان زندانی سیاسی که قدرت حاکم را در همه ابعادش به مصاف طلبیدند، تبلور پیشروترین زنان جامعه هستند. زن زندانی سیاسی در واقع بیان این است که مبارزه زنان برای رهائی خود مبارزه ای آرام نبوده بلکه پرتنش و حاد و آشتی ناپذیر خواهد بود. مبارزه ای که مرتجعین مردسالار آن را بر نمی تابند و نیاز به فداکاری و جسارت زنان هست. هیچ مبارزه ای در تاریخ بشر آرام و مسالمت آمیز پیش نرفته است. در سراسر کنفرانس، حضور زن زندانی سیاسی و مقاومت و مبارزه اش حس می شد. این بزرگترین نقطه قوت کنفرانس امسال بود.

امسال، دومین سالی بود که کنفرانس مسئله زنان افغانستانی را طرح کرد. بیش از نیم میلیون زن افغانستانی بعنوان ستمدیده ترین زنان در ایران زندگی و کار می کنند. صفوف مبارزاتی زنان در ایران بدون حضور زنان افغانستانی در مقابل ایده های ستمگرانه و شوونیستی فارس شکننده خواهد بود. طرح خواستها و مبارزات زنان افغانستانی در پیشروی جنبش زنان و ارتباط میان جنبش زنان ایرانی و افغانستانی حیاتی است. حضور مسئله زن افغانستانی در کنفرانس امسال بنیاد نشانه نقشی است که بنیاد در جهت زدودن ایده های ارتجاعی برتری یک ملت بر ملت دیگر می تواند بر عهده گیرد.

به جرات می توان گفت که چشمگیرترین بخش کنفرانس امسال، بخش هنری آن بود. بطور حتم تدارک این برنامه های هنری حاصل کار شبانه روزی کمیته محلی و نگاه جدی آنان به این عرصه از مبارزات زنان می باشد. انتخاب نقاشی ها و بویژه نقاشی های سودابه اردوان، نمایش تئاتر «مرگ و دختر» و فیلم «مکرمه» همگی معنایی جدی به برخورد بنیاد به این مسئله بخشید. البته گنجاندن موسیقی سنتی در برنامه ها جای بحث دارد. این نوع از موسیقی حتی در بهترین حالتش قادر نیست روحیه بلند پرواز و معترض زن ایرانی - بویژه نسل جوان - را منعکس کند و نیازهای روحی شان را ارضاء نماید و آنان را به از هم گسستن زنجیرهای بندگی برانگیزاند.

برپائی میز گرد «نسل دوم» نو آوری مهمی در کنفرانس امسال بود. حضور زنان جوان نه فقط صفوف مبارزاتی زنان

را قدرتمندتر می کند بلکه مسئله حلقه شناخت، انتقال تجارب بین نسل گذشته و نسل جدید را تکمیل می کند. حضور نسل جوان چالشی علیه محافظه کاری و احتیاط کاری های مضر زنان نسل قبل می باشد. با امید اینکه این روند در کنفرانس های آتی ادامه یابد و شامل قشرهای مختلف زنان جوان گردد، حتی شرایطی بوجود آید که دختران جوانی از ایران بتوانند در آن شرکت کنند.

این کنفرانس در شرایطی برگزار شد که جامعه ایران تحولات پرشتایی را از سر می گذراند. رژیم اسلامی با ترکیب وعده های ریاکارانه و سرکوب عریان می خواهد با نارضایتی گسترش یابنده مردم مقابله کند. دستگیری برخی از مدافعان حقوق زنان پس از کنفرانس برلین در واقع هدفی جز ارباب جنبش زنان نداشت. احتمالاً عدم حضور برخی از کسانی که به این کنفرانس دعوت شده بودند مستقیماً به اعمال چنین فشارهایی ربط داشت. جنبه مثبت کنفرانس امسال این بود که نسبت به چنین جوی بی تفاوت نبود. پیام بنیاد مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی و پیشنهادات بسیاری از زنان در طول کنفرانس برای سازمان دادن تلاشهای معینی برای اعتراض به رژیم جمهوری اسلامی و برگزاری یک آکسیون اعتراضی در جلوی محل برگزاری بنیاد همگی نشانه حساسیت بالای شرکت کنندگان در کنفرانس نسبت به اوضاع سیاسی جامعه بود. بامید آنکه کنفرانس های آتی بنیاد بتواند هر چه بیشتر خواستها و آرزوهای اکثریت زنان ایران را منعکس کند. مسلماً اتخاذ چنین جهتگیری پویائی و تداوم فعالیتهای بنیاد را تضمین خواهد کرد.